

# بررسی نشانه‌ای - فرهنگی و تغییر ایدئولوژی در ترجمه

## (بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی)

آناهیتا امیرشجاعی<sup>۱</sup>

مطالعه موردی: پیرمرد و دریا، اثر ارنست همینگوی

محمد حسین قریشی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۱/۱۸

تاریخ تصویب: ۹۲/۶/۱۷

### چکیده

در این مقاله به اهمیت تحلیل گفتمان انتقادی در ترجمه پرداخته شده است تا مشخص شود که این تحلیل چگونه می‌تواند انتقال ایدئولوژیک را در فرایند ترجمه منعکس کند. با تکیه بر دلایل احتمالی که در حین انتقال زبان منجر به تحریف در ترجمه می‌گردد، این مقاله بر آن است تا رابطه ساختارهای گفتمان‌مدار و کارکردهای اجتماعی را نشان دهد. در این باب، پس از تعریف مفاهیم کلیدی، برخی مزایای تحلیل گفتمان انتقادی را نسبت به رویکردهای دیگر برمی‌شمارد. از آنجایی که روابط قدرت و ایدئولوژی را می‌توان به عنوان مفاهیم مشترک در ترجمه و گفتمان انتقادی در نظر گرفت، به اجمال به توضیح آنها پرداخته خواهد شد. پس از معرفی برخی تحلیل‌گران انتقادی، جهت نشان دادن انتقال ایدئولوژیکی و فرهنگی در فرایند ترجمه ادبی (پیرمرد و دریا)، از نظریه فان‌دیک و هاکین<sup>۳</sup> کمک گرفته می‌شود. در نهایت، بر اساس چارچوب یادشده، اذعان می‌دارد که به دلیل اشتراک مفاهیم یاد شده در گفتمان انتقادی و ترجمه، تحلیل انتقادی گفتمان، به تحلیل‌گر و مترجم در درک مشکلات فرهنگی و اجتماعی کمک می‌کند، و برای تفسیر، توصیف و بررسی تغییرات فرهنگی و اجتماعی صورت گرفته در متن ضروری می‌باشد. این تحلیل در فرایند ترجمه نام برده، نگارندگان را به این نتیجه می‌رساند که مترجم با اقتباس شیوه بومی‌سازی، طبیعی‌سازی ایدئولوژیک، و ترجمه اصطلاحی، سعی بر انتقال ایدئولوژی و گفتمان غالب را داشته است.

**کلید واژه‌ها:** ایدئولوژی، انتقال فرهنگی، پیرمرد و دریا، تحلیل گفتمان انتقادی، ساختارهای اجتماعی، فان‌دیک، هاکین

<sup>۱</sup> مربی و عضو هیات علمی دانشگاه آموزش عالی بم [amirshojaeianahita@gmail.com](mailto:amirshojaeianahita@gmail.com)

<sup>۲</sup> استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه بیرجند؛ دانشگاه بیرجند [smh\\_ghoreashi@birjand.ac.ir](mailto:smh_ghoreashi@birjand.ac.ir)

<sup>۳</sup> Van Dijk

## ۱. مقدمه

بررسی دقیق تاریخ ترجمه نشان می‌دهد که ترجمه به عنوان نقطه عطفی در تعامل فرهنگ‌ها و تمدن‌ها تا-کنون همواره مورد توجه بوده، و در راستای بیداری و روشن‌سازی افکار در سراسر جهان، با ظهور دیدگاه‌های مختلفی همراه بوده است. این امر بیانگر این است که نمی‌توان ترجمه را به عنوان پدیده‌ای مستقل و منفرد در نظر گرفت. درست مانند دیگر آثار نوشته شده، ترجمه نیز با مفاهیم دستکاری، ایدئولوژی و قدرت در ارتباط است، و بررسی آن در حیطه چهارچوبی فکری-اجتماعی حائز اهمیت می‌باشد. از این رو مطالعات ترجمه دیدگاه‌های صرفاً زبان‌شناسانه را برای بررسی فرایند ترجمه ناکافی دانسته، و جهت بررسی ساخت معانی و پیام ساختارهای زبان‌شناسی در چارچوب عوامل زبان‌شناختی و فرا زبان‌شناختی به سمت و سوی راهکارهای انتقادی روی آورده است. در این میان مبحث تحلیل گفتمان انتقادی با نگرشی خاص به زبان به عنوان یک پدیده اجتماعی، و به عنوان یک رویکرد میان رشته‌ای در پدیدار ساختن افکار ایدئولوژیک، بیشترین توجه را به خود جلب کرده است. یارمحمدی (۱۳۸۳: ۱۴۳)، می‌نویسد: "تبلور این دیدگاه به صورت کارکردهای فکری-اجتماعی از طریق مؤلفه‌های خاصی در متن به نام ساختارهای گفتمان‌مدار<sup>۴</sup> انجام می‌شود."

لوک<sup>۵</sup> (۱۹۹۷) بر لزوم به کارگیری تحلیل انتقادی گفتمان، جهت توصیف، تفسیر، و بررسی کارکردهای اجتماعی-انتقادی باز نمود شده در متن تأکید می‌کند.

ضرورت تحلیل گفتمان انتقادی نسبت به سایر رویکردها، به ویژه هنگامی آشکار می‌شود که بتوان به اهمیت و نقش این تحلیل در راستای تغییر نگرش مترجم و تحلیل‌گر در فرایند ترجمه و تحلیل، درک بهتر روابط میان زبان، متن و جامعه، و نیز دادن دید عمیق‌تر نسبت به کارکرد و جوهره زبان، پی برد. همچنین این تحلیل، در توصیف و تبیین بافت کلام و اندامواره بلاغی متن حائز اهمیت می‌باشد.

هدف این مقاله نشان دادن عملکرد این تحلیل در انتقال ایدئولوژی‌های نهفته در متن بوده، لذا این مقاله می-کوشد بر پایه رویکرد نامبرده، ارتباط ساختارهای بلاغی و سطح ارتباطی متن را با فرامتن (جامعه و فرهنگ)، نشان دهد، تا تحلیل‌گر را در درک مسائل اجتماعی متأثر شده از ایدئولوژی و روابط قدرت در طی فرایند

<sup>۴</sup> discursive structures

<sup>۵</sup> Luke

ترجمه (به ویژه ترجمه ادبی مذکور)، یاری رسانده و به بررسی این امر پردازد که چه عواملی در چپنش واژگانی و ساختاری مترجم مؤثر می‌باشند.

از این رو بر اساس تحقیقات علمی صورت گرفته، و چارچوب نظری تعیین شده، مقاله حاضر در صدد است به این سؤالات پاسخ دهد:

۱. گفتمان انتقادی چه نقشی را در بازنمایی نشانه‌های فرهنگی و انتقال ایدئولوژیک در ترجمه ایفا می‌کند؟ و این تحلیل در ترجمه موردنظر (پیرمرد و دریا)، چگونه موضع مترجم را برایمان آشکار ساخته است؟

۲. مزایای تحلیل انتقادی گفتمان نسبت به دو رویکرد قبلی، (ساخت‌گرا و کارکردگرا) چیست؟

۳. بخشهایی از فرهنگ‌ها در تعامل و بخشهایی در تقابلند، این رویکرد انتقادی چگونه می‌تواند رابطه تعامل و تقابل فرهنگی منعکس شده در ترجمه را نشان دهد؟

## ۱,۱. پیشینه موضوع

نظریه گفتمان انتقادی شاخه‌ای از زبان‌شناسی اجتماعی - انتقادی است که ریشه در مطالعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دارد. این نظریه پس از مدتی به عنوان تحلیل انتقادی گفتمان گسترش یافت. تاریخچه پیچیده‌ای دارد و برگرفته از انواع مختلفی از فعالیتهای گفتمانی و استدلالی است. زبان‌شناسی انتقادی، مبنای کارش را بر پایه رویکرد گروهی در دانشگاه آنجلیای شرقی قرار داد (فاولر، ۱۹۸۱؛ فاولر، کرس، هاج، ترو، ۱۹۷۹).<sup>۶</sup> تأثیر نظریات زبان‌شناس معروف مایکل هالیدی<sup>۷</sup>، و دستور زبان "نقش‌گرا - نظام مند"<sup>۸</sup> وی در رویکرد این گروه کاملاً مشهود بود. با این وجود آنها روش‌های سبک‌شناختی ادبی اقتباس شده از دستور گشتاری چامسکی را نیز به کار برده و در این میان، به ویژه فاولر از کار بارتس<sup>۹</sup> و نشانه‌شناسان اولیه فرانسوی تأثیر پذیرفت. نظریه - پردازان انتقادی رویکرد خود را از زبان‌شناسی اجتماعی و نیز از الگوهای اصلی زبان‌شناسی متمایز ساختند، که این امر به تقابل شکل - محتوا، سیستم - فرایند (کاربرد) انجامید. تأکید آنها بویژه بر تجزیه و تحلیل متون و روابط شان با بافت بود. لازم به ذکر است که مکتب زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی پراگ<sup>۱۰</sup>، رویکرد انسان‌شناسی

<sup>6</sup> Fowler, Kress, Hodge, Trew

<sup>7</sup> Michael Holiday

<sup>8</sup> systemic functional grammar

<sup>9</sup> Barthes

<sup>10</sup> Prague

ساختارگرا-کارکردگرای بریتانیا، کار جامعه‌شناس آموزشی برنشتاین<sup>۱۱</sup>، و نیز کار اولیه زبان‌شناسانی مثل ساپیر<sup>۱۲</sup> (۱۹۲۱) و ورف<sup>۱۳</sup> (۱۹۵۶)، تأثیر بسزایی در این نظریه داشته است (هالیدی، ۱۹۸۵). این تحلیل بینامتنی و استدلالی هنوز به قوت خود باقی است (البته اندکی پس از کارهای صورت گرفته راجع به گفتمان توسط مکاتب زبان‌شناسی ذکر شده) (تردگلد، ۲۰۰۳: ۱۰).

نورمن فرکلاف<sup>۱۴</sup> (۱۹۹۵) در واقع اولین شخصی بود که هنگام پیشنهاد یک نظریه گفتمانی و بررسی تغییرات اجتماعی، این رویکرد انتقادی را به کار گرفت. وی پایه و اساس کارش را بر مبنای کارهای فوکو و تعدادی از نظریه پردازان نئو مارکسیست و یا دیگر نظریه پردازان اجتماعی قرار داد (تردگلد: ۱۲).

وی سهم بسزایی در به کارگیری این رویکرد به عنوان یک شیوه تحلیلی داشته است، او مدعی است که متن، معنی را از طریق ویژگی های زبانی منتقل نمی کند، بلکه معنی از طریق ساختارهای گفتمان‌مدار تولید و درک می‌شود و این معنا بیانگر ایدئولوژی خاص و یا روش های کنترل و دستکاری روابط قدرت می‌باشد (فرکلاف، ۱۹۹۱). تحلیل‌های بینامتنی وی، اولین رویکردهای انتقادی در راستای توصیف زبانی پساساختارگرایانه گفتمان بود.

فرکلاف (۲۰۰۰) سه اصل اساسی را در گفتمان انتقادی معرفی می‌کند: گفتمان‌ها توسط: الف) ساختارهای اجتماعی ب) فرهنگ، ج) کلمات و زبان روزمره، شکل گرفته و ساخته می‌شوند. وی همچنین خاطرنشان می‌سازد که تحلیل انتقادی، رابطه بین سه سطح از تجزیه و تحلیل را تعیین می‌کند: الف) متنی ب) شیوه‌های استدلالی (گفتمان‌مدار)، ج) بافت‌های اجتماعی کلان (مک گرگور: ۲).

هاکین<sup>۱۵</sup> (۱۹۹۷) بر این باور است که باید متن را در وحله اول به شیوه‌ای غیر انتقادی، مانند خواننده‌ای عادی، و پس از آن به شیوه‌ای انتقادی مورد بررسی قرار داد. او به رویکردهای انتقادی خاصی مانند: ژانر<sup>۱۶</sup>، فریم

---

<sup>11</sup> Bernstein

<sup>12</sup> Sapir

<sup>13</sup> Whorf

<sup>14</sup> Norman Fairclough

<sup>15</sup> Huckin

<sup>16</sup> genre

(قالب متن)<sup>۱۷</sup>، برجسته سازی<sup>۱۸</sup>، حذف، و پیش فرض<sup>۱۹</sup> تأکید می‌کند. با این شیوه وی تحلیل انتقادی را از دیگر شیوه‌های تجزیه و تحلیل متن متمایز می‌سازد (مک گرگور: ۳).

فاندیک یکی از شناخته شده ترین و با نفوذ ترین تحلیل‌گران گفتمان انتقادی است که تأکیدش بر عدم وجود یک روش‌شناسی واحد است. او اذعان می‌دارد که تحلیل انتقادی گفتمان دارای یک چارچوب نظری و یا یک متدولوژی منحصر به فرد نمی‌باشد، و به همین دلیل است که می‌توان به آن به عنوان یک رویکرد بینارشته‌ای نگریست که به جای تأکید بر یک مکتب خاص، طیف وسیعی از روش‌ها را در بر می‌گیرد (مک گرگور: ۳). به هر حال تأکید وی بر ضرورت ایجاد رویکردی گسترده، متنوع، چند رشته‌ای، و مشکل‌گرا می‌باشد، (تردگلد: ۱۳)، از اینرو، در نظریه خود (۱۹۸۸)، طیف وسیعی از راهکارهای انتقادی را معرفی کرده و خاطر نشان می‌سازد که: "تحلیل انتقادی گفتمان نوعی پژوهش تحلیلی است که عمدتاً به بررسی راهکارهای اجتماعی سوءاستفاده از قدرت، سلطه و نابرابری موجود در متن و مباحث اجتماعی و سیاسی می‌پردازد". روش تحلیلی وی دو سطح از تجزیه و تحلیل را نشان می‌دهد:

الف) ساختارهای خرد<sup>۲۰</sup>، ب) ساختارهای کلان<sup>۲۱</sup>. مورد اول، تجزیه و تحلیل متن از نظر نحو و واژگان است، و مورد دوم تجزیه و تحلیل اندامواره بلاغی متن است. از آنجایی که تأکید این مقاله بر ساختارهای خرد در نظریه فاندیک می‌باشد، (با تکیه بر مفاهیم کلیدی هاکین)، این مورد در بخش روش‌شناسی به همراه برخی از نمونه‌های متن اصلی و متن ترجمه رمان "پیر مرد و دریا"، به اجمال توضیح داده خواهد شد.

در مورد تحقیقات مرتبط با مقاله حاضر، می‌توان به مقاله فرحزاد (۲۰۰۹)، به دلیل تأکیدش بر سطوح خرد و کلان اشاره کرد. و همچنین مقاله فرح زاد و مدنی (۲۰۰۹)، در مورد قدرت و ایدئولوژی در ترجمه می‌تواند مورد مناسبی جهت ارجاع باشد. آنها با تأکید بر ترجمه ادبی و به‌کارگیری رویکردی انتقادی به بررسی اثرات بالقوه و احتمالی ایدئولوژی‌های مختلف موجود در دو وضعیت اجتماعی و تاریخی و بازتاب آن در ترجمه رمان آمریکایی "بر باد رفته" پرداختند.

---

<sup>17</sup> framing

<sup>18</sup> foregrounding

<sup>19</sup> presupposition

<sup>20</sup> micro-structures

<sup>21</sup> macro-structures

فان دیک نیز، در تجزیه و تحلیل ساختارهای خرد، تأکیدش بر چینش واژگانی و ساختارهای نحوی و یا استعاره‌های دستوری غالب است. هاکین بر برخی از مفاهیم و راهکارها اشاره دارد که یکی از آنها استراتژی انتقادی است. تأکید این مقاله بر سطوح خرد در نظریه فان دیک، (سطح واژه‌سازی و انتخاب‌های نحوی و استعاره‌های دستوری)، با تکیه بر مفاهیم هاکین در سطوح کلان (ژانر، سیاق و فریم)، جهت تعیین مفاهیم ایدئولوژیک در ترجمه می‌باشد (این سطوح و مفاهیم در بخش روش‌شناسی و تحلیل، به اجمال توضیح داده شده است).

## ۲.۱. مفاهیم و مباحث نظری

به دلیل اهمیت مفاهیمی همچون فرهنگ، ایدئولوژی، ترجمه، گفتمان، و ارتباط آنها با تحلیل گفتمان انتقادی، این مفاهیم باید به وضوح تعریف، و روابط آنها به درستی تعیین شوند:

**فرهنگ:** واژه فرهنگ دارای چندین مفهوم مرتبط است: مفهوم سنتی و مفهوم انسان‌شناختی. تأکید این مقاله بر مفهوم پویای آن یعنی تعبیر دوم می‌باشد. از فرهنگ همچنین به مثابه پروژه‌ای انسانی یاد شده که پدیده‌ای طبیعی به نام زبان را در اختیار بشر گذارده است (می، ۱۹۹۸). می توان به آن به عنوان اطلاعات منتقل شده توسط زبان نگرست (کوک، ۲۰۰۳: ۱۰۵). واژه فرهنگ یکی از دست نیافتنی‌ترین، و پیچیده‌ترین مفاهیم در نظریات اجتماعی است، که اغلب به صورت مبهم، و حتی متناقض به کار رفته است (کارین زوتزمن، ۲۰۰۷: ۶۵). شریعتی (۱۳۵۶)، بر این باور است که گاهی فرهنگ و تمدن در یک مفهوم به کار می‌روند، اما باید توجه داشت که فرهنگ منوط به کارکردهای اخلاقی و معنوی، حال آنکه تمدن، مرتبط با مفاهیم مادی است.

**ایدئولوژی:** ایدئولوژی مرتبط با مباحث فرهنگی در حوزه‌ای خاص است. لفور در سال ۱۹۹۲، مفاهیم کلیدی در ایدئولوژی به خصوص در ارتباط با ترجمه، ارائه می‌دهد، و تأکید می‌کند که مترجمان همواره تحت تأثیر ساختارها، هنجارها، و باورها قرار دارند (ماندی، ۲۰۰۱: ۱۳۰). فان دیک به ایدئولوژی به عنوان "نگرشی جهانی" می‌نگرد که در برگیرنده شناخت اجتماعی است: یعنی "باز نمودها و نگرش‌های مرتبط با

برخی جوانب جهان اجتماعی " (فان دیک، ۱۹۹۳b: ۲۵۸). شریعتی ایدئولوژی را متشکل از دو بخش می-داند: "ایده‌ها" به عنوان ابزار شناخت، و پسوند "لوژی" در مفهوم درک منطقی. بنابراین وی ایدئولوژی را باور و یا ایده یک گروه یا ملت، نژاد یا طبقه اجتماعی می‌داند. از دیدگاه یارمحمدی (۱۳۸۳)، ایدئولوژی به مجموعه‌ای از عقاید، برداشت‌ها و ارزش‌های نظام‌مندی که در یک جامعه ساری و جاری است، اطلاق می-شود.

فرکلاف، یک دید مارکسیستی از ایدئولوژی داشته و با دیدگاهی خاص از آنها به عنوان تعبیر رفتاری یاد می‌کند:

"ایدئولوژی‌ها بازنمودهایی از جهان هستند که منجر به ایجاد و حفظ روابط قدرت، سلطه و استثمار می‌شوند. ممکن است آنها در طی فرایند تعامل، قانون‌مدار و یا هویت‌مدار شوند. تجزیه و تحلیل متن، یکی از جنبه‌های مهم تجزیه و تحلیل ایدئولوژیک و نقد است."

فرکلاف، ۲۰۰۳: ۲۱۸؛ نقل شده در (وداک & مایر)

**ترجمه:** به گفته حتم و میسون (۱۹۹۷)، ترجمه "فرایندی ارتباطی" است که حداقل با دو زبان مختلف، و شبکه گسترده‌ای از عوامل از جمله تفاوت‌های فرهنگی، تاریخی، سیاسی، و ایدئولوژیک همراه است. نایدا نیز معتقد است که فرایند ترجمه امری فراتر از شباهت‌ها و تضادهای زبانی، می‌باشد (اسچفتر، ۱۹۹۵: ۱).

**متن و گفتمان:** اغلب نظریه‌پردازان به متن و گفتمان در یک مفهوم می‌نگرند. برخی گفتمان را کلام و گفتار، و متن را نوشتار در نظر می‌گیرند. در هر دو مورد، بافت به عنوان تابعی جداگانه مد نظر است. فرکلاف، از گفتمان به عنوان "زبان به عنوان عملکردی اجتماعی" یاد می‌کند (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۶۵).

**تحلیل گفتمان انتقادی:** قبل از تعریف این مفهوم، لازم به ذکر است که تحلیل گفتمان ساختارگرا با ظهور کارکردگرایی در ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و معرفی مفهوم "بافت"<sup>۲۲</sup> و تأکید بر تجزیه و تحلیل کاربردی زبان، به چالش کشیده شد. صرف نظر از زیر شاخه‌های پیچیده، نواقص مرتبط با تئوری‌های یاد شده، راه را برای معرفی مفاهیم قدرت و ایدئولوژی در نظریه‌های گفتمانی به مثابه زبان‌شناسی انتقادی یا تحلیل گفتمان

---

<sup>22</sup> texture

انتقادی مساعد کرد. این شیوه اجرایی اساساً در مورد زبان و بازنمایی آن، و نیز صورت پساساختارگرایانه "تحلیل گفتمان" می‌باشد (تردگلد، ۲۰۰۳: ۱۰).

تحلیل گفتمان انتقادی شاخه اصلی تجزیه و تحلیل گفتمان است، که می‌تواند هم به عنوان یک نظریه، و هم به عنوان یک روش علمی در تحقیقات اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. و نیز به عنوان یکی از مطالعات میان رشته‌ای حائز اهمیت است. این تحلیل، رویکردهای ایدئولوژیک فرهنگی و زبانی ترجمه را همسان در نظر می‌گیرد (خواجه و خوان محمد، ۲۰۰۹: ۲۶).

تحلیل انتقادی گفتمان به زبان به عنوان یک "عمل اجتماعی"، می‌نگرد و "بافت کاربردی زبان" برایش بسیار مهم می‌باشد. (فرکلاف و وداک، ۱۹۹۷). این تحلیل به منظور انجام فعالیت اولیه خود یعنی یافتن ارتباط دیالکتیکی میان متن و فرایند، نقطه نظر کاملاً متفاوتی را ارائه می‌دهد، (که آن را از دو مکتب فوق-الذکر، کاملاً متمایز می‌سازد)، و به بسیاری از متغیرهای جامعه شناختی از قبیل قدرت، ایدئولوژی، طبقات، و جنس، به عنوان عناصر عمدتاً مؤثر برای تفسیر یا تولید متن تأکید زیادی دارد. به عبارت دیگر، توجه خود را نه تنها به بافت و موقعیت کلام، بلکه به رابطه آن با سایر انگیزه‌های اجتماعی و ساختارها معطوف می‌سازد. در این رابطه می‌توان گفت که این تحلیل به ویژه با گرفتن موضع دموکراتیک و اخلاقی در مسائل اجتماعی، کاملاً خود را منحصر به "بافت کلامی" کرده است (همانجا). از آنجاییکه تأکید این مقاله بر رویکرد گفتمان انتقادی است، برخی از اصول و مزایای آن به اختصار در ذیل توضیح داده خواهد شد.

### ۳.۱. تئوری‌ها و اصول تحلیل گفتمان انتقادی (کارکردها و مزایای آن نسبت به سایر نظریه‌های گفتمانی)

فان دیک (۱۹۹۳: ۲۵۲)، بر این باور است که سؤالات راجع به اهداف و اصول تحلیل انتقادی گفتمان را باید به طور دقیق و جزئی و با توجه به جایگاه تحلیل گفتمان در جامعه علمی معاصر پاسخ داد.

تحلیل گفتمان انتقادی به مطالعه و تجزیه و تحلیل متون نوشتاری و نیز گفتاری می‌پردازد تا منابع استدلالی قدرت، سلطه، نابرابری، و تعصب را نشان دهد و بیان کند که این افکار چگونه آغاز، ایجاد، و یا حفظ می‌-



شوند، یا اینکه چطور در یک بافت تاریخی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تغییر ماهیت می‌دهند (مک گرگور، ۲۰۰۳: ۲). این تحلیل عمدتاً با گفتمان سوء استفاده از قدرت، بی‌عدالتی و نابرابری حاصل از آن سروکار دارد، و تلاش می‌کند به شرح راهکارهای مورد استفاده توسط نیروهای غالب جامعه در توجیه برخی واقعیت‌های پردازد (همانجا). برخی از رویکردهای یک چنین تحلیلی به شرح زیر بیان داده شده است:

\* تأکید بر مشکلات اجتماعی مانند سلطه و نابرابری، به معنی نادیده گرفتن مسائل نظری نیست، بلکه نشان می‌دهد که بر خلاف دیگر روش‌ها و یا رویکردها در تحلیل‌های گفتمانی، این تحلیل هدفش صرفاً کمک به مکتب، الگو و یا نظریه خاصی نمی‌باشد. به همین دلیل است که اساساً به مسائل اجتماعی علاقه‌مند بوده و توجه خود را به آن معطوف می‌سازد (فان‌دیک، ۱۹۹۹: ۲۵۲).

\* بر خلاف دیگر تحلیل‌گران گفتمان، تحلیل‌گران انتقادی گفتمان موضع‌شان سیاسی-اجتماعی است، یعنی آنها نقطه نظر، چشم انداز، اصول و اهداف‌شان را هم در حیطه رشته خود و هم در جامعه، صریحاً بیان می‌کنند. به عبارت دیگر این تحلیل‌هنجارمدار است، یعنی در آن اصول کاربردی، پیش‌فرض هر نقدی است (فان‌دیک، ۱۹۹۹: ۲۵۳).

\* "فان‌دیک" معتقد است که این تحلیل انتقادی مستلزم دانشی چند رشته‌ای، و نیز شرحی از روابط پیچیده بین متن، گفتگو، شناخت اجتماعی، قدرت، جامعه و فرهنگ است.

\* در نهایت، می‌توان گفت که ماهیت مشکلاتی که گفتمان انتقادی به آن می‌پردازد، کاملاً متفاوت با مشکلات رویکردها و روش‌هایی است که راهکارهای خود را صراحتاً بیان نکردند (وداک و مایر، ۲۰۰۹: ۱۹).

یک چنین اهداف، اصول و ضوابطی در یک کار علمی مانند ترجمه راه‌گشا است. از آنجا که مفاهیم قدرت و ایدئولوژی دو مفهوم مهم در گفتمان انتقادی بوده و در فعالیت‌های اجتماعی دخیل هستند، و هدف این

تحلیل گسترش یک نظریه زبانی در راستای این فرضیه مهم است، (وداک و مایر، ۲۰۰۹: ۱۰)، مفاهیم قدرت و ایدئولوژی و رابطه آنها با ترجمه باید بوضوح مشخص شود.

### ۱,۳,۱. قدرت و ایدئولوژی در گفتمان انتقادی در مقایسه با ایدئولوژی در ترجمه

یکی از موضوعات عمده تحلیل گفتمان انتقادی، مطالعه قدرت موجود در گفتمان و روابط قدرت است. این امر را می توان این گونه تعبیر کرد که ایدئولوژی و قدرت دو مفهوم نسبی مستقل هستند که با زبان مرتبط می باشند (فان دیک، ۱۹۸۸).

اکثر تحلیل های انتقادی راجع به شیوه های گسترش ساختارهای خاص گفتمان در باز تولید برتری اجتماعی می باشند، بنابراین واژگان معمول بسیاری از محققان در این تحلیل علاوه بر مفاهیم تحلیلی آشنا در دیگر گفتمان ها، مفاهیمی همچون "قدرت"، "سلطه"، "ایدئولوژی"، "سلطه طلبی"، "جنسیت"، "ساختار اجتماعی"، را در بر می گیرد (ون دایک: ۳۵۴). پس این تحلیل روشی است که می توان از آن جهت آگاهی از معانی ایدئولوژیک پنهان در کلمات نوشتاری و گفتاری بهره گرفت (مک گرگور: ۵). فان دیک (۱۹۹۹) یک مثلث مفهومی از جامعه، گفتمان، و شناخت اجتماعی، ارائه می دهد، که در آن ایدئولوژی تشکیل شده توسط تحلیل گفتمان انتقادی، نقش برجسته ای را در ایجاد شناخت اجتماعی ایفا می کند.

اما در مورد ترجمه، مفاهیمی چون "ایدئولوژی"، "قدرت"، "سلطه"، "طبقه"، و "جنسیت"، در درک معنا و در تفسیر این فرایند دخیل می باشند. از دیدگاه مطالعات ترجمه و با ظهور دو مکتب عمده پسا-ساختارگرایی و کارکردگرایی، هر ترجمه ای صرفاً از رو ساخت زبانی متن مبدأ حاصل نشده، بلکه هنجارها و آداب و رسوم زبان مقصد نیز در این فرایند سهیم می باشند (کروبی، ۲۰۰۵، به نقل از خواجه: ۲۹).

لفور<sup>۳۳</sup> در سال ۱۹۹۲، مفاهیمی کلیدی از ایدئولوژی در ترجمه ارائه داد و خاطر نشان کرد که شبکه ای از هنجارها، ساختارها و باورها، عملکرد مترجمان را می سازند. او بر این نکته تاکید کرد که "در هر سطح از

<sup>23</sup> Lefever

فرایند ترجمه، ملاحظات زبانی و ماهیت ایدئولوژیک و هستی‌شناختی با یکدیگر در تعارض‌اند (ماندی، ۲۰۰۱: ۱۳۰).

حتیم و میسون<sup>۲۴</sup> (۱۹۹۷) پیشنهاد می‌کنند که ترجمه نه تنها فعالیتی طبیعی نیست، بلکه هم در چهارچوب عمل و هم محصول ترجمه، یک امر غیر قابل انکار سیاسی است. نیرانجانا (۱۹۹۱) تأکید می‌کند که مترجم باید همواره به یاد داشته باشد که آگاهی از فاصله بین فرهنگ مبدأ و مقصد و بررسی عدم وجود تشابه و تعیین محوریت‌های تاریخی در بسیاری از آثار پدید آمده، یا وجود نداشته و یا از میان رفته است (به نقل از حتیم و میسون، ۲۰۰۴: ۲۱۰).

ونوتی<sup>۲۵</sup> (۱۹۹۷) نیز از "بومی‌سازی"<sup>۲۶</sup> و "بیگانه‌سازی"<sup>۲۷</sup> به عنوان دو اصطلاح نسبی دارای موضع ایدئولوژیک، یاد می‌کند، چرا که "بومی‌سازی"، متن را برای خواننده فرهنگ مقصد قابل تشخیص و آشنا می‌کند، و یا از طریق "بیگانه‌سازی"، تحت ایدئولوژی و فشار متن مبدأ، مترجم کدهای فرهنگی حاکم در متن مقصد را تحریف و دستکاری می‌کند تا خواننده مورد نظر را به جهان ناشناخته و ناآشنای نویسنده ببرد (به نقل از خواجه و خان محمد، ۲۰۰۹).

بنابراین، درست مانند گفتمان انتقادی، مفهوم قدرت و ایدئولوژی در ترجمه نیز وجود دارد که تحریف‌های موجود در ترجمه را هنگام انتقال زبان از متن مبدأ به متن مقصد، توجیه می‌کند.

## ۲. روش‌شناسی و داده‌های تحقیق

جهت بررسی رویکرد ذکر شده، متن مبدأ<sup>۲۸</sup>، یعنی رمان انگلیسی "پیرمرد و دریا" اثر ارنست همینگوی، و متن مقصد<sup>۲۹</sup>، یا به عبارتی ترجمه "نجف دریابندری" از این اثر، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

---

<sup>24</sup> Hatim & Mason

<sup>25</sup> Venuti

<sup>26</sup> domestication

<sup>27</sup> foreignization

<sup>28</sup> source text/prototext

<sup>29</sup> target text/metatext

جهت تحلیل داده‌ها بر پایه چارچوب یاد شده، تحلیل مقایسه‌ای و دقیقی بین متن مبدأ و مقصد در سطح ساختارهای خرد صورت گرفته است. این ساختارها مفاهیم عمومی "برجسته‌سازی" و "پنهان‌سازی"<sup>۳۰</sup> را دربرمی‌گیرند که این موارد را شامل می‌شوند:

## ۱،۲. واژه‌سازی<sup>۳۱</sup>:

به طرق مختلفی می‌توان از اقلام واژگانی برای اشاره به موارد یکسان، استفاده کرد. این امر منجر به بیان نگرش، دیدگاه و ارزیابی شخصی می‌شود. واژه‌سازی به کاربرد کلمات مغرضانه، مفاهیم خاص و یا ایدئولوژیک می‌پردازد. انتخاب‌های واژگانی صورت گرفته توسط مترجم به سه دسته تقسیم شدند:

**الف: تنوع واژگانی<sup>۳۲</sup>:** منظور از تنوع واژگانی این است که تا چه حد تنوع و فراوانی سطح واژگان در زبان مبدأ و زبان مقصد کاملاً یکسان بوده است (رایس، ۲۰۰۰: ۶۵). پس از تجزیه و تحلیل متن مقصد، مشاهده شده است که نه تنها کلمات فرهنگی متن مبدأ در متن ترجمه کمتر تکرار شده‌اند، بلکه مترجم از سوی دیگر، اقدام به ابداع یک سری واژگان فرهنگی کرده است. این نوع کاربرد واژگان ایدئولوژیک و فرهنگی در متن مقصد، نوعی سیستم پنهان‌سازی (در مورد کدهای فرهنگی متن مبدأ) را به تصویر می‌کشد، بطوریکه خوانندگان با ارائه گفتمانی خاص عمداً با نقطه نظری متفاوت با آنچه مد نظر متن مبدأ بوده مواجه می‌شوند.

**ب: واژه‌سازی افراطی<sup>۳۳</sup>:** این مفهوم به کلمات فرهنگی و ایدئولوژیک معنادار شده توسط مترجم در متن مقصد اشاره دارد. همانگونه که در قسمت قبل اشاره شد، مترجم در ترجمه، برخی از واژه‌های فرهنگی و بومی را به کار برده است (کلماتی مانند: بمبک، هشینه، فنه، بنتوک).

واژه‌های فوق‌الذکر بومی شده‌اند، و همانگونه که قبلاً ذکر شد، روش "بومی‌سازی" با موضع ایدئولوژیک، یعنی آشنا سازی متن برای خواننده فرهنگ مقصد همراه است، علاوه بر این، گاهی اوقات

<sup>30</sup> backgrounding

<sup>31</sup> lexicalization

<sup>32</sup> lexical variation

<sup>33</sup> over-lexicalization

چینش واژگانی مترجم منجر به ایجاد حسی متفاوت شده، و تأثیری ایدئولوژیک در رویکرد خواننده گذاشته است. نمونه‌هایی از هر دو نوع رویکرد، در جداول ۱ و ۲ ارائه شده است:

#### کلمات بومی شده

#### کلمات دارای بار

#### ایدئولوژیک

ST	TT
shark	بمبک
sardine	هشینه
bow	فنه
gaff	بنتوک
square	جهاز بادی
dolphin	پیسو
bird	شالو
gill	گلگلوک
warbler	چلی

ST	TT
difficult	بد مستی
boy	بچه
... They were sad.	دلشان برایش سوخت
old man	بابا
my son	پسر جان
Christ	خدایا
yellow blanket	لحاف سبز
I will say	نذر می‌کنم.
Virgin de Cobre	باکره کبری

جدول ۲

جدول ۱

(برگرفته از کتاب پیرمرد و دریا، مترجم: نجف دریابندری، ۱۳۶۳: ۷۲، ۷۱، ۷۶، ۸۰، ۸۳، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۲۱، ۱۲۷).

مثلاً در ترجمه، حس شخصیتی پسرک و رابطه او با پیرمرد تا حدودی نزدیک به متن اصلی تعبیر شده است. یعنی علاوه بر ارزش تجربی و رابطه ای، ارزش بیانی یعنی نگرش مثبت پسرک به پیرمرد حفظ شده است.

**ج : کاربرد نابرابر معادل‌های واژگانی و معنایی:** کاترین رایس<sup>۳۴</sup> (۲۰۰۰)، معتقد است که دقت تحت اللفظی در ترجمه نمی‌تواند معیاری عینی باشد. برای تعیین تعادل معنایی، بافت زبانی را باید مورد بررسی قرار داد. این بافت زبانی شامل ساختارهای خرد و کلان می‌شود، که اولی در برگیرنده واژگان و ساختار در بافت زبانی، و دومی علاوه بر پاراگراف، در برگیرنده کل متن می‌باشد. هر دو جهت تعیین معادل مطلوب در سطح زبانی لازم و ضروری می‌باشند (رایس: ۶۰).

<sup>34</sup> Katharina Reiss

در تجزیه و تحلیل متن مبدأ، مشاهده شده که برخی از واژه ها با ارزش های ضمنی منفی، (به عنوان مثال، کلمه "trick"، با همان درجه از کیفیت به متن ترجمه منتقل نشده اند، با وجود این که آن واژه در متن اصلی با همان معنای ضمنی منفی مد نظر بوده است. باید توجه داشت که در فرایند ترجمه، متن مقصد باید به اندازه متن مبدأ مورد ارزش گذاری مثبت و منفی قرار گیرد. نمونه هایی از این باب، (عدم هماهنگی در ارزش گذاری)، در جدول ۳ نشان داده شده است:

ST	TT
trick	راه
some of it	یک تکه اش
around him	زیر او
in desperation	با تلاش و تقلا
man of war	عروس دریایی
his left eye	چشم راستش
the cut under his eye	بریدگی بالای چشم

جدول ۳

(دریابندری، همانجا: ۷۴، ۸۷، ۱۱۹).

## ۲.۲. انتخاب های نحوی و استعاره های دستوری غالب:

**الف: معلوم سازی<sup>۳۵</sup> / مجهول سازی<sup>۳۶</sup>:** در مقایسه وجوه معلوم و مجهول در متن مبدأ و مقصد، نتایج قابل توجهی به لحاظ ایدئولوژیک بدست آمده است. فرحزاد (۲۰۰۹)، بر این باور است که وجه معلوم هنگامی به کار می رود که "عمل" برجسته است، و نه "عامل". به عقیده فرکلاف (۱۹۹۵: ۱۳۰)، جملات مجهول، عاملیت و علت را مشخص نمی کنند. مترجم در متن ذکر شده، جهت ابهام زدایی، روند مجهول ← معلوم را به کار گرفته است.

<sup>35</sup> activation

<sup>36</sup> passivization

به برخی از نمونه ها در اینجا اشاره شده است:

Where they were hoisted on a block and tackle,...

...تا روی تخته و قلاب بیندازند،...

As they climbed the bank from where the skiff was hauled up,

چون از ساحلی که قایق را آنجا به خشکی رانده بودند، بالا رفتند،

The small line was taken by a dolphin.

رئسمان کوچک پیرمرد را یک پیسو گاز گرفت.

Now every-thing is cleared away

هم اکنون هر چیزی را هم از سر راهم برداشته ام.

(دریابندری، همانجا: ۷۱، ۷۲).

همانطور که نشان داده شده، بیشتر جملات مجهول به معلوم تبدیل شده اند، که همانگونه که فرحزاد بیان داشته است، هنگام معلوم سازی وجوه مجهول در متن ترجمه، عاملین عمل برجسته می شوند. هر دو شیفت، (معلوم → مجهول)، اگر چه اختیاری هستند، دارای بار ایدئولوژیک می باشند.

باید توجه داشت که استفاده از ساختارهای مجهول مانند موارد ذکر شده در متن مبدأ، به دلیل پنهان سازی اطلاعات، بر خلاف اصل کمیت گرایش است. بر خلاف ساختار مجهول که عامل را پنهان می کند، در ساخت معلوم، عامل در جایگاه نهاد قرار گرفته و برجسته می شود (ویدوسون: ۷۳). با این کار، مترجم نگرش خاص خود را به خوانندگان تحمیل می کند.

**ب : اسم سازی<sup>۳۷</sup>/ فعل سازی<sup>۳۸</sup> :** اسم سازی، ساختاری کوتاه شده است که در آن زمان و عامل، وجود ندارد و در نتیجه تأکیدش کمتر از جمله است (فرحزاد، ۲۰۰۹). به لحاظ نحوی، افعال به جای انتقال مفاهیم انتزاعی، تمایل به انتقال مفاهیم، کارکردها یا فرآیندهای عینی دارند، و همین گرایش اسم سازی، برای تغییر دیدگاه خواننده کافی است. به این ترتیب، عامل و کننده کار ناشناخته باقی می ماند، و نویسنده و یا مترجم

<sup>37</sup> nominalization

<sup>38</sup> verbalization

می تواند زمان و شیوه انجام عمل (یعنی بخش های اصلی جمله و یا فعل) را پنهان سازد. در اینجا به برخی از این موارد اشاره شده است:

I know you didn't leave me because you doubted.

می دونم رفتنت از روی بی اعتقادی نبود.

First you borrow.

اول قرضه.

As he rowed.

پارو کشان

Until you make the soul.

تا خود ساحل

(دریابندری، همانجا: ۷۲، ۷۶، ۸۳).

همانطور که مثال‌ها نشان می‌دهند، اسم‌سازی که نوعی انتقال اختیاری است، عامل را ناشناس باقی گذاشته و مفهوم ایدئولوژیک دارد. اما عکس این قضیه نیز صدق می‌کند، هنگامی که یک اسم جهت تغییر دیدگاه خواننده نسبت به یک رویداد، به ساختاری فعلی در متن مقصد بدل می‌شود. این گونه فعل‌سازی را می‌توان در این موارد یافت:

It carried me no loss of true pride.

از همت راستین مرد نمی‌کاهد.

He looked around for the bird.

به اطراف نگاه کرد تا پرنده را ببیند.

(دریابندری، همانجا: ۷۴).

در ترجمه متن نام برده، مترجم، جهت حذف عوامل اجتماعی در گفتمان، رویکرد اسم‌سازی را برگزیده است. (او به این طریق، به لحاظ ساختاری، گرایش مجهول ← معلوم را در ترجمه‌اش تعدیل می‌کند).



**ج : حذف<sup>۳۹</sup> / افزایش<sup>۴۰</sup>:** بر خلاف مبتداسازی، که نوعی برجسته‌سازی در سطح جمله است، حذف، نوعی پنهان‌سازی صریح است. در این رویکرد، مطالب به طور کامل از متن حذف می‌شوند. حذف، در واقع بارزترین نوع متن‌سازی است. چرا که اگر نویسنده به مطلبی اشاره نکند، آن مطلب در ذهن خواننده جای نخواهد گرفت، و در معرض موشکافی وی قرار نمی‌گیرد (هاکین، ۱۹۹۷: ۴). حذف یکی از صورت‌های دستکاری در سطح جمله است. یکی از انواع حذف که به لحاظ ایدئولوژیک، در خور توجه است، حذف عامل است که اغلب در فرایند اسم‌سازی و استفاده از افعال مجهول (که در بخش‌های قبلی ذکر شد)، رخ می‌دهد.

در مقابل، افزایش، نوعی برجسته‌سازی است که مربوط به برجستگی متنی است که با تأکید نویسنده بر مفاهیم خاص حاصل می‌شود (همانجا). برخی از نمونه‌های افزایش و حذف (به خصوص حذف عامل)، در جدول ۴ نشان داده شده است:

Omission	Addition
You didn't steal (them) یه وقت ندزدیده باشی	The whole boot shiver. تمام قایق زیر پایم می‌لرزید.
He always went down (to help him) carry either the coiled ... همیشه می‌رفت چنبر ریسمان یا بنتوک و ... را برای پیرمرد به دوش می‌کشید.	A bird working ... یک پرنده داره بالای سر صید چرخ میزنه
(God) let him jump. بذار پره	Between fishermen. صیادا با هم رودرواسی ندارن.
(True) brothers برادران	In a procession پیشاپیش دسته عزاداران
His (right) hand دستش	

<sup>39</sup> omission  
<sup>40</sup> addition

## جدول ۴

(دریابندری، همانجا: ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۱۲۴)

حذف واژه "خداوند"، و افزودن واژه ای مثل "عزاداران" در متن مقصد، به لحاظ مذهبی و اعتقادی دارای بار ایدئولوژیک می‌باشد. بعلاوه، بسیاری از حذفیات صورت گرفته در ترجمه، حذف صفت و همچنین حذف افعال وجهی (مدال‌ها) است (حذف افعال وجهی در ذیل توضیح داده خواهد شد).

**د: کاربرد افعال وجهی (مدال‌سازی)**<sup>۴۱</sup> / عوامل وجه‌نما (مدالیت)<sup>۴۲</sup>: یکی دیگر از ویژگی‌های گفتمان که در تحلیل انتقادی مورد توجه است، مبحث افعال وجهی می‌باشد، که اشاره به لحن اظهارات و درجه قطعیت و اقتدار آن دارد.

منظور از مدال‌سازی، فراوانی افعال وجهی در متن مبدأ و مقصد، و نیز معادل پویای مرتبط با ترجمه این افعال در متن مقصد است. پس از تجزیه و تحلیل متن مبدأ و متن مقصد، نتیجه بدست آمده این بود که تعداد افعال وجهی مورد استفاده در متن ترجمه نه تنها کمتر از افعال وجهی مورد استفاده در متن مبدأ بوده، بلکه گاهی اوقات این افعال با ارزش برابری ترجمه نشده‌اند، که این به نوبه خود می‌تواند اثرات متفاوتی را در خواننده فارسی زبان با زمینه‌های فرهنگی و ایدئولوژیک مختلف بوجود آورد.

We can do that.	فکر بدی نیست.
Yankees cannot lose.	یانکیا بازنده نیستن.
It could not happen twice.	اتفاق یه بار می‌افته.
It is what a man must do.	کار مرد همینه.
You must keep your head.	حواست را جمع نگه دار.

(دریابندری، همانجا: ۷۶، ۸۲، ۱۲۲)

<sup>41</sup> modalization

<sup>42</sup> modality

به عنوان مثال، فعل وجهی "must" که در متن مبدأ به کار رفته، دارای مفاهیم "تعهد" و "اطمینان" می‌باشد. به عبارت دیگر، این فعل در متن مبدأ دارای ارزش رابطه ای و بیانی است، حال آنکه در ترجمه این افعال، هم پوشانی و ارزش یکسانی در متن مبدأ و مقصد وجود ندارد.

هالیدی، از قیدها و افعال وجهی، و نیز واژگان ارزشی به عنوان عوامل وجه‌نا یاد می‌کند (ماندی: ۹۱). فرحزاد، مدالیت‌ها را معادل با سه حالت (خبری، سوالی و امری)، می‌داند و خاطر نشان می‌سازد که هر نوع تغییر در افعال وجهی در متن ترجمه ممکن است ایدئولوژیک باشد (فرحزاد: ۴۶). در ذیل، برخی از تغییرات در ترجمه، حاصل تغییرات در حالت‌های فوق‌الذکر می‌باشند:

But remember .... مگه یادت نیست؟

Why not? The old man said. "باشه". پیرمرد گفت:

Your eyes are good. چشمات هم عیبی نکرده.

He had stayed. فرار نکرد.

My legs are all right. پاهایم عیبی ندارد.

(دریابندری، همانجا: ۷۲، ۷۴).

### ۳. بحث و تحلیل (با توضیح و تکیه بر ساختارهای کلان‌هاکین)

همان‌گونه که پیشتر بدان اشاره کردیم، مشخصه اصلی تجزیه و تحلیل انتقادی گفتمان، استفاده کامل از بافت در تجزیه و تحلیل متون است، بنابراین نه تنها باید ساختارهای خرد، بلکه ساختارهای کلان و بافت فرهنگی-اجتماعی را نیز مدنظر قرار دهد. این امر مستلزم توجه به ژانر، سیاق<sup>۴۳</sup>، و فریم (قالب متن)، (سه مفهوم کلیدی در نظریه‌هاکین که مرتبط با چینش واژگانی نویسنده است)، در تجزیه و تحلیل متن می‌باشد. اگرچه تأکید این مقاله بر ساختارهای کلان نیست، اما از آنجاییکه بررسی ساختارهای خرد منوط به شناخت ساختارهای کلان است، این مفاهیم کلیدی جهت نشان دادن تأثیر ایدئولوژی مترجم بر چینش واژگانی وی، به طور خلاصه بحث خواهد شد.

<sup>43</sup> register

ساختارهای کلان، که نایدا<sup>۴۴</sup> آنها را "بافت گفتمانی" مینامد، شامل کل متن و رابطه‌اش با محیط فرهنگی-اجتماعی است (بر اساس مدل زبان و گفتمان هالیدی).

منظور از ژانر، نوع متن بوده که با یک تابع خاص ارتباطی همراه است (ماندی: ۹۱). ژانر، بیانگر مجموعه‌ای مشخص از ویژگی‌های رسمی با هدفی خاص می‌باشد. متن مبدأ مورد نظر دارای سبک ادبی بوده و متعلق به نوع متن صورت-محور است. در این نوع متون، مترجم باید یک گام از سطح زبانی فراتر برداشته و به سطح ادبی رود. بنابراین لازم است جهت ارائه کارکرد ادبی و زیبا شناختی اش یک رویکرد قیاس پذیر بیابد. زبان متن صورت-محور را زبان مبدأ و نویسنده آن تعیین می‌کند (رایس: ۴۳). نویسنده متن اصلی (همینگوی)، با اقتباس از "جیمز جویس" و "ازرا پوند"، تصاویر طبیعی و نماد گرایی در متن به کار برده است. مترجم نیز برخی از صنایع ادبی را به کار برده که دارای تأثیر زیبا شناختی یکسانی است، اما از آنجاییکه به گفته هالیدی، محیط اجتماعی-فرهنگی در نوع ژانر تأثیر می‌گذارد، زبان متن ترجمه مطابق با هنجارها و عرف متن مقصد تعبیه شده، (با حفظ تأثیر زیبا شناختی یکسان)، و مترجم با معرفی تعبیر آشنا با زبان مقصد و خواننده آن و نیز در چارچوب فرهنگی-اجتماعی بافت آن زبان بر آن است تا اولویت فرهنگی و ایدئولوژیک خود را نسبت به فرهنگ بومی، و نیز "رابطه قدرت" نشان دهد. این رابطه مفهومی کلیدی در نظریه ساختارهای کلان فاندیک است، (این مقاله قصد پرداختن به جزئیات آن را ندارد)، و خود با بافت موقعیتی که در بر گیرنده عوامل فرازبانی است، در ارتباط می‌باشد.

سیاق، اشاره به سطح رسمی و غیررسمی، و نیز اصطلاحات تخصصی و موضوع متن دارد (هاکین: ۶). متن ترجمه مورد نظر، نه تنها مؤلفه‌های سبکی متن مبدأ، بلکه تفاوت بین کاربرد محاوره‌ای و رسمی را مدنظر قرار داده است.

فریم یا قالب متن، اشاره به چگونگی ارائه محتوای متن و نوع دیدگاه نویسنده دارد (هاکین: ۴). این امر به نوبه خود، برجسته‌سازی، پنهان‌سازی، و حذفیات را (که پیش از آن در این مقاله شرح داده شد)، در بر می-

---

<sup>44</sup> Nida

گیرد. این مفهوم، به عکس‌ها، آرایش بصری و طرح‌هایی اشاره دارد که استفاده آن توسط نویسندگان به لحاظ ایدئولوژیکی حائز اهمیت است. در ترجمه مورد نظر، هیچ نوع عکس و یا طرحی که بتوان آن را از نقطه نظر ایدئولوژیکی توضیح داد، با متن همراه نشده است.

در کل، به رغم تفاوت‌های ایدئولوژیکی و دیدگاه فرهنگی بین نویسندگان و مترجم، مترجم تلاش کرده ظرافت‌های زائیده تخیل و ذهن نویسندگان را در بافتی دیگر، بیافریند، و این در حالیست که وی به جهت حفظ غرابت متن هیچ گونه توضیحی برای واژگان بیگانه و مفاهیم ناآشنا ارائه نداده است. شاید مترجم با حفظ برخی عناصر بیگانه به همان شکل، خواهان حفظ ارزش تجربی متن مبدأ بوده است. در اینجا لیستی از کلمات اسپانیایی، که توسط مترجم در ترجمه بدون هیچ توضیحی استفاده شده، و صرفاً حرف‌نگاری شده-اند، در جدول ۵ نشان داده شده است:

salao	unlucky
guano	Palm tree
bodega	Grocery store/warehouse
brisa	breeze
calambre	clamp
fuegos	games
Un espuela de hueso	A spur of a bone
El campeón	The champion
gorado	golden
galanos	Shovel-nosed sharks
Saint Peter	San Pedro
tiburón	shark
Que va	Oh, no!
Agua mala	bad water

جدول ۵

(دریابندری، همانجا: ۷۱، ۸۷، ۱۳۱، ۱۰۷).

#### ۴. نتیجه

با توجه به عوامل ذکر شده در بالا، می‌توان اینگونه استنباط است که تحلیل‌گر باید به نحوه عملکرد و چگونگی بیان عقاید، و نیز موضع ایدئولوژیکی مترجم توجه کند. در این راستا، تحلیل گفتمان انتقادی، (با

توجه به مزایای ذکر شده آن، نه تنها می‌تواند برای مترجم، بلکه برای تحلیل‌گر در درک مشکلات اجتماعی متأثر شده از ایدئولوژی و رابطه قدرت، سودمند واقع شود، و نیز دیدگاه تحلیلی گسترده‌تری برای تحلیل‌گر، و بینش عمیق‌تری برای مترجم نسبت به سایر روش‌ها فراهم سازد. این امر به دلیل تفاوت‌های موجود بین گفتمان انتقادی و دیگر تحلیل‌های گفتمانی است، که تحلیل اول علاوه بر صحنه گذاشتن بر تمام موارد فوق‌الذکر، سازنده، مشکل‌گرا، و نیز رویکردی میان‌رشته‌ای است. از این رو این تحلیل صرفاً خود را محدود به بررسی یک واحد زبانی نکرده، بلکه به مطالعه پدیده‌های اجتماعی پیچیده‌ای می‌پردازد که نیاز به یک رویکرد چندرشته‌ای و چندروشه دارند (وداک و مایر، ۲۰۰۹: ۲). این چارچوب به تحلیل‌گر درک و بینشی کلی نسبت به فرایند شناختی درک معنا در تفسیر و تولید متن داده، و آگاهی آنان را نسبت به چالش‌های زبانی، موضع ایدئولوژیک و فرهنگی و دانش متنی ارتقاء می‌بخشد.

مفهوم کلیدی گفتمان انتقادی این است که از آنجایی که کارکردهای ما از دیدگاه‌های کلی ما سرچشمه می‌گیرند، نوشتار و گفتار ما تنها فاقد نگرش و ایدئولوژی ما نیست، بلکه عملی هدفمند است که ممکن است در جهت کنترل دیدگاهها و کارکردهای اجتماعی به کار گرفته شود. از آنجا که ترجمه، عمل بازنویسی در رابطه با قدرت و ایدئولوژی است، نمی‌توان آن را بدون در نظر گرفتن چارچوب اجتماعی و فرهنگی صورت گرفته در آن، و بدون توجه به نقطه نظر ایدئولوژیک مترجم تجزیه و تحلیل کرد.

با تکیه بر این تحلیل، و بر اساس چارچوب نظری فان‌دیک و هاکین، در بررسی ترجمه مذکور این نتیجه حاصل شده که مترجم در متن مورد بحث با اقتباس شیوه طبیعی سازی ایدئولوژیک<sup>۴۵</sup>، بومی‌سازی، و ترجمه اصطلاحی<sup>۴۶</sup>، مفهوم مورد نظر و فرهنگ غالب را انتقال داده است. حال آنکه نویسنده در متن مبدا که تلفیقی از امپرسیونیسم و رئالیسم است بدون هیچ‌گونه دخالتی بر خواننده تسلط می‌یابد. مترجم همچنین برای شفاف سازی در ترجمه، استراتژی‌های غیر رسمی و محاوره‌ای به کار برده است و گاهی برای حفظ بافت معنایی و موقعیتی، غیر اصطلاح را به اصطلاح ترجمه کرده است. با این وجود، همان‌گونه که پیش از این ذکر شد، مترجم با حفظ برخی عناصر بیگانه، و عدم استفاده از پانویس، ارزش تجربی متن مبدا را حفظ کرده است.

---

<sup>45</sup> ideological naturalization

<sup>46</sup> Idiomatic translation

## منابع فارسی

- دریابندری، نجف. (۱۳۶۳). پیرمرد و دریا. تهران: انتشارات خوارزمی.
- شریعتی، علی. (۱۳۵۶). *ایدئولوژی و تمدن، انسان و اسلام*. تهران: نشر بیجا.
- شریعتی، علی. (۱۳۵۴). *بحشی در ایدئولوژی (پرسش و پاسخ)*. تهران: نشر معراج.
- یارمحمدی، لطف الله. (۱۳۸۳). *گفتمان شناسی رایج و انتقادی*. تهران: نشر هرمس.
- یارمحمدی، لطف الله. (۱۳۷۴). *پانزده مقاله در زبان شناسی مقابله ای و ساخت زبان فارسی: دستور، متن، گفتمان*. تهران: انتشارات رهنما

## منابع انگلیسی:

- Cook, G. (2003). *Applied Linguistics*. Oxford University Press.
- Fairclough, N. (1995a). *Critical Discourse Analysis*. London: Longman.
- Farahzad, F. (2009). Translation Criticism: A CDA Approach. In: *translation Studies*; 6(24): 39-47, winter 2009.
- Halliday, M. (1978). *Language as Social Semiotic: The Social Interpretation of Language and Meaning*. London: Edward Arnold.
- Hatim, B. and I. Mason (1990). *Discourse and the Translator*. London and New York: Longman.
- Hatim, B. and I. Mason (1997). *The Translator as Communicator*, London and New York: Routledge.
- Hemingway, E. (1952). *The Old Man and the Sea*. Charles Scribner's Sons.

- Huckin, T.N. (1997). Critical Discourse Analysis. In: T. Miller (Ed.), *Functional Approaches to Written Text*. English Language Programs. United States Information Agency. Washington D.C. 20547.
- Khaje, Z. and H. Khanmohammad. Transmission of Ideology through Translation: A Critical Discourse Analysis of Chomsky's "Media Control" and its Persian Translations. *Electronic journal of Iranian Journal of Applied Language Studies*. Spring-Summer 2009; 1(1):24-42.
- Luke, A. (1997). Theory and Practice in Critical Science Discourse. In: L. Saha (Ed.), *International Encyclopedia of the Sociology of Education*. Australian National University, ACT, Australia.
- McGregor, S. (2003). Critical Science Approach-A Primer. *Kappa Omicron Nu Working Paper Series*.
- Mey, J. (1998). *Concise Encyclopedia of Pragmatics*. Oxford: Elsevier.
- Munday, J. (2001). *Introducing Translation Studies, Theories and Application*. London and New York: Routledge.
- Reiss, K. (2000). *Categories and Criteria for Translation Quality Assessment*. St. Jerome Publishing Manchester, UK.
- Schaffner, C. (1995). *Cultural Function of Translation*. Multilingual Matters Series.
- Threadgold, T. (2003). Cultural Studies, Critical Theory and Critical Discourse Analysis: Histories, Remembering and Futures. *Linguistik online* 14, 2/03. London/New York.
- Van Dijk, T.A. (1988). *News as Discourse*, Hillside, NJ: Erlbaum.
- Van Dijk, T.A. (1999). Critical Discourse Analysis and Conversation Analysis. In: *Discourse and Society* 10(4), pp.459-470.
- Van Dijk, T.A. (1993b). Discourse, Power and Access. In: C.R. Caldas (ed.) *Studies in Critical Discourse Analysis*. London: Routledge.
- Wodac, R. and M. Meyer (2009). Critical Discourse Analysis: History, Agenda, Theory and Methodology. In: *Methods for Critical Discourse Analysis*. Sage (2nd revised edition), London, pp. 1-33. ISBN 184787455X.
- Zotzmann, K. (2007). A Critical Discourse Analysis of the Academic Field of Intercultural Business Communication. PhD Thesis. Lancaster University.



